



Journal of Islamic Propagation

Volume 2 ● No 5 ● Spring & Summer 2021

Propagational Methods of Imam Sajjad (a.s.) According to Verse 125 of Surah Nahl

Ali Farsi Madan*

Abstract

One of the aspects of religious leaders' lives is the propagation of religious teachings. This study seeks to deal with the sirah and lifestyle of Imam Sajjad (a.s.) through a descriptive and analytical method, and answer the question, what propagational methods did Imam Sajjad (a.s.) use? The author of the paper aims to examine the current research with regard to verse 125 of Surah Nahl and will discuss three important methods: "wisdom", "advice" and "argument" in the propagational method of Imam Sajjad (a.s.). That Imam used the method of "wisdom" to propagate religious teachings and explain the Karbala movement, using the methods of proof and reasoning, meeting the requirements of the present, audience knowing, opportunism and Taqiyah. In his propagational method, he used the practical methods of enjoining the good and forbidding the bad, talks and speeches, and reminding of the blessings. In addition, the imam propagated the religion by using the methods of debate, question and answer, and companionship.

Keywords

Propagational method of Imam Sajjad (a.s.), Surah Nahl, religious propagation, wisdom, advice, argument.

* 4th level (PhD), Islamic Seminary of Qom. alifarsimadan98@gmail.com.



روش‌های تبلیغی امام سجاد علیه السلام بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل

علی فارسی مدان*

چکیده

یکی از ابعاد زندگی پیشوایان دینی، تبلیغ آموزه‌های دینی می‌باشد. این پژوهش، در صدد است با روش توصیفی و تحلیلی، به سبک و سیره امام سجاد علیه السلام پرداخته، به این سؤال پاسخ دهد که امام سجاد علیه السلام چه روش‌های تبلیغی را به کار می‌بست؟ نویسنده مقاله بر آن است تا پژوهش حاضر را با توجه به آیه ۱۲۵ سوره نحل مورد بررسی قرار دهد و به سه روش مهم: «حکمت»، «موعظه» و «مجادله» در روش تبلیغی امام سجاد علیه السلام خواهد پرداخت. آن حضرت، از روش «حکمت» برای تبلیغ آموزه‌های دینی و تبیین نهضت کربلا از شیوه‌های برهان و استدلال، رعایت مقتضیات حال، مخاطب‌شناسی، فرصت‌شناسی و تقیه استفاده نمود. ایشان در روش موعظه، شیوه‌های کاربردی امر به معروف و نهی از منکر، منبر و خطابه و تذکر و یادآوری نعمت‌ها را به کار برد. به علاوه، امام با استفاده از شیوه: مناظره، پرسش و پاسخ و روش همراهی نیز به تبلیغ امر دین پرداخت.

کلیدواژه‌گان: روش تبلیغی امام سجاد علیه السلام، سوره نحل، تبلیغ دینی، حکمت، موعظه، مجادله.

مقدمه

آیه ۱۲۵ سوره نحل، سه روش مؤثر تبلیغی حکمت، موعظه و مجادله را یادآور شده و تبلیغ را به صورت انحصاری، یکی از مأموریت‌های مهم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند (مائده، آیه ۹۲)؛ چنانکه از وظایف مهم حضرت هود عَلَيْهِ السَّلَام، تبلیغ و ابلاغ رسالت الهی بود (اعراف، آیه ۶۷-۶۸). در این راستا، تبلیغ به عنوان یکی از وظایف پیامبران شمرده می‌شود و اگر درست باشد، آثار و نتایج بهتری به بار می‌آورد. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نیز به تبلیغ دستورات دینی و پیام‌رسانی اهداف قیام حسینی پرداخته است. این پژوهش، با الگوگیری از سوره نحل آیه ۱۲۵، روش‌های تبلیغی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام را به صورت روشمند تبیین خواهد نمود. در این تحقیق، در کنار سؤال اصلی، به پاسخ سؤالات ذیل نیز پاسخ داده خواهد شد:

روش‌های موعظه و حکمت و مجادله بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل در روش تبلیغی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام چه جایگاهی دارد؟ در روش تبلیغی حکمت، جایگاه برهان و استدلال، مخاطب‌شناسی، تقیه و رعایت مقتضیات حال چیست؟ امر به معروف و نهی از منکر، منبر و خطابه در روش موعظه حضرت عَلَيْهِ السَّلَام چگونه است؟ در روش مجادله، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام از چه شیوه‌هایی بهره برده است؟

ضرورت تحقیق حاضر، آن است که در آموزه‌های دینی، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان بهترین منبع و الگو در زمینه تبلیغ به مبلغان، مربیان و پژوهشگران محترم معرفی شود؛ زیرا آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام با توجه به اقتضائات زمان خویش در سیره علمی و عملی خود، با روش‌های زیبا و متفاوتی به تبلیغ دین پرداخت تا همه به روش‌های تبلیغی امام عَلَيْهِ السَّلَام آگاهی پیدا کنند.

در پیشینه این تحقیق، کتاب‌هایی با عناوین: روش تبلیغی و تربیتی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، نقش تبلیغی حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در واقعه کربلا و درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به نگارش در آمده و در میان پایان‌نامه‌ها نیز مواردی همچون: «خاستگاه روش‌های تبلیغی در سیره امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام» و «روش‌های تربیتی و تبلیغی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام» یافت گردید؛ اما در مورد موضوع مقاله پیش رو، کتاب، پایان‌نامه و یا مقاله مستقلی با این عنوان نوشته نشده است. پس، این تحقیق در صدد آن است که یک عنوان مستقل در این زمینه بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل به نگارش در آورد.

مفهوم‌شناسی

۱. تبلیغ

تبلیغ، به معنای رسانیدن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۱۹) و از بلاغ گرفته شده و بلاغ و بلوغ، یعنی رسیدن به انتهای مقصود؛ خواه مقصود زمانی یا مکانی یا امری از امور معین دیگر باشد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۴۴).

اما تبلیغ در اصطلاح، «فعالیتی برای دگرگون کردن عقاید عمومی از راه‌های غیرمستقیم و احياناً پنهانی، با وسایلی مانند زبان و خط و تصویر و نمایش است» (الهامی‌نیا، بی‌تا، ص ۱۷).

۲. حکمت

حکمت، از حکم آمده و در اصل، به معنای منع است؛ زیرا مانع جهل و رذایل اخلاقی می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۱؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۴۵). اما در اصطلاح، یک واژه قرآنی است و چندین بار در قرآن کریم آمده است. در مباحث تربیتی و تبلیغی، به کارگیری روش حکمت در امر هدایت و تربیت اخلاقی انسان‌ها، یکی از روش‌های ارزشمندی است که قرآن کریم در کنار «موعظه» و «مجادله» مورد توجه قرار داده است (نحل، آیه ۱۲۵). در ذیل این آیه شریفه آمده است: «حکمت، به معنای علم و دانش و منطق و استدلال است و در اصل، به معنای منع آمده و از آنجا که علم و دانش و منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف است، به آن حکمت گفته می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۵۵).

۳. موعظه

موعظه، از وعظ گرفته شده و از مصادر لغت عربی فهمیده می‌شود که به معنای: پند دادن، اندرز دادن و نصیحت کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۶۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۹۸). در اصطلاح، واعظ، در موعظه سخنانی می‌گوید که قلب موعظه‌شونده آن‌پندها و نصیحت‌ها را بپذیرد و نرم شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۹۸). پس، موعظه، «توصیه و دعوت به تقوای الهی و تشویق به انجام واجبات و پرهیز از معاصی و گناهان و فریفته دنیا و زینت دنیا نشدن می‌باشد» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۹۲).

۴. مجادله

مجادله، از جدل گرفته شده و به معنای گفت‌وگوی با نزاع و ستیزه و چیرگی بر یکدیگر است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۸۹-۱۹۰). مجادله در اصطلاح، «صناعتی است که آدمی با آن می‌تواند از مقدمات مسلم و مورد قبول طرف مقابل و یا از مقدمات مشهور استفاده کرده، مطالب مورد نظر خویش را اثبات یا رد کند» (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۴۴۶). این واژه، یکی از مفاهیم قرآنی است که با مشتقات آن، ۸ بار در قرآن کریم آمده است (ر.ک: هود، آیه ۳۲؛ نحل، آیه ۱۳۵؛ غافر، آیه ۵؛ حج، آیه ۶۸ و...). البته «مراء» (کهف، آیه ۲۲) نیز معنای مجادله را می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۷۵).

روش‌های تبلیغی امام سجاد علیه السلام

۱. حکمت

حکمت، یکی از روش‌های ارزشمندی است که قرآن کریم در کنار «موعظه» و «مجادله» مورد توجه قرار داده است: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل، آیه ۱۲۵). امام سجاد علیه السلام نیز با پیروی از آموزه‌های قرآنی، از روش حکمت با شیوه‌های متفاوتی در امر هدایت و تربیت مسلمانان استفاده کرده که عبارت‌اند از:

۱-۱. برهان و استدلال

از آنجا که روش برهان و استدلال بر اساس تعقل و تفکر مبلّغ به کار گرفته می‌شود، بهترین و مؤثرترین روش تبلیغات می‌باشد. در جامعه اسلامی، تبلیغات بیشتر با این روش انجام می‌گیرد؛ زیرا با استدلال و منطق و برهان است که قول احسن شناخته شده و از قول باطل تمییز داده می‌شود (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰).

امام سجاد علیه السلام به عنوان پیام‌رسان کربلا و افشاگر حقایق و نشان‌دهنده چهره واقعی یزیدیان، از شیوه برهان و استدلال در تبلیغ رسالت خود در کوفه و شام استفاده کرد؛ به طور مثال، وقتی کاروان اُسرا را به کاخ ابن‌زیاد آوردند، عیب‌الله که متوجه امام سجاد علیه السلام شد، گفت: مگر خدا علی‌بن‌حسین را نکشت؟ امام سجاد علیه السلام در جواب ابن‌زیاد با منطق و برهان و تفکر الهی پاسخ او را داد و فرمود: مرا برادری بود نامش علی علیه السلام که به دست مردم در کربلا کشته شد. ابن‌زیاد گفت: چنین نیست؛ بلکه به دست خدا کشته شد. امام علیه السلام به کلام الهی استدلال کرد و فرمود: «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا؛ خداوند روح را به هنگام مرگ قبض

می‌کند و ارواحی را که نمرده‌اند، به هنگام خواب می‌گیرد» (بصری، ۱۴۱۰، خامسة، ص ۴۸۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۶۳۰؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۶۲).

سپس، اُسرا از کوفه حرکت کردند و وارد دمشق شدند. در ابتدای شهر، پیرمردی به اُسرا گفت: خدا شما را گشت و بلاد را از فتنه‌تان خلاص نمود و یزید را بر شما مسلط ساخت. امام سجاد علیه السلام با برهان و استدلال خطاب به پیرمرد فرمود: ای شیخ! آیا قرآن خوانده‌ای؟ پیرمرد گفت: بله. امام علیه السلام فرمود: آیا این آیه را خوانده‌ای: «ای پیغمبر به این امت بگو که من از شما برای ابلاغ اسلام اجری نمی‌خواهم؛ مگر آنکه درباره اقربا و خاندانم دوستی نمایم» (شوری، آیه ۲۳). پیرمرد گفت: بله، خوانده‌ام. امام فرمود: ما همان ذوالقربی که خدا در قرآن فرموده، هستیم. ای شیخ! آیا این آیه را در سوره بنی اسرائیل خوانده‌ای: «و حقّ نزدیکان را بپرداز» (اسراء، آیه ۲۶). پیرمرد گفت: بله، این آیه را هم قرائت کردم. امام علیه السلام فرمود: ما مدنظر آیه هستیم. امام علیه السلام آیات دیگر قرآن را نیز که در شأن اهل بیت علیهم السلام بود، قرائت کرد (ر.ک: انفال، آیه ۴۱؛ احزاب، آیه ۳۳). آن پیرمرد پس از استماع سخنان امام سجاد علیه السلام که با استدلال همراه بود، از گفته‌های خود پشیمان شد و اشک از چشمانش جاری شد و گفت: «خدایا! من بیزارم از آن کس که دشمن آل محمد است؛ چه از جن باشد و چه انس.» سپس، آن پیرمرد در حضور امام علیه السلام توبه نمود و چون خبر به یزید رسید، او را به قتل رساند» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۲۹؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۱۲۹-۱۳۰). امام سجاد علیه السلام به وسیله آیات قرآن که مورد قبول آن شامی بود، استدلال کرد. چون شامیان تحت تربیت معاویه و یزید از اهل بیت علیهم السلام دور شده بودند، امام علیه السلام با استدلال به مسلمات و مقبولات، توانست حقیقت را روشن کرده و آن شامی را آگاه کند. حتی امام علیه السلام در کاخ یزید در پاسخ به شبهات و سخنان یزید، به آیات قرآن استدلال نمود (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۷۱؛ مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱).

۲-۱. رعایت مقتضیات حال

یکی از اساسی‌ترین شیوه‌هایی که در مقبولیت کلام مؤثر است، «رعایت مقتضای حال، خطاب و زمان» می‌باشد. بدین جهت، اگر در کلامی رعایت اقتضای حال، خطاب و زمان نشده باشد، آن کلام به‌درستی واقع نخواهد شد و فایده و اثربخشی خود را از دست می‌دهد.

منظور از رعایت مقتضای حال، آن است که بدانیم مقتضای حال در موارد و موضوعات مختلف، یکسان نیست. ائمه معصومین علیهم السلام بر رعایت مقتضای حال در بیان پیام تبلیغی نیز

تأکید داشته‌اند. در روایتی وارد شده: «سخن مگویند (تبلیغ دین ننمایید و پیام دینی را به‌کار نگیرید)، مگر اینکه جایی را مناسب برای عرضه پیام ببینید. چه بسیار سخن‌گویی که سخن حق را گفته، ولی [آن را] خراب کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۷). از منظر امام سجاد علیه السلام، لزوم استفاده شیوه «رعایت مقتضیات حال» در تبلیغ، بسیار ضروری است؛ چنان‌که فرمود:

«ما ندري كيف نضع بالتاس، ان حدثنا هم بما سمعنا من رسول الله صلى الله عليه وآله ضحكوا وان سكتنا لم يسعنا؛ نمی‌دانیم با این مردم چه کنیم! اگر بعضی از حقایق را که از رسول خدا صلى الله عليه وآله گرفته‌ایم به آنها بگوییم، می‌خندند و مسخره می‌کنند. از طرفی، طاقیت سکوت نداریم که این حقایق را ناگفته بگذاریم» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۵۷۹). بنابراین، امام علیه السلام راهکارهای «خطابه و افشاگری» و «سیاست سکوت و اشاعه معارف الهی به‌وسیله دعا و گریه و عزاداری» را به‌کار برد؛ زیرا امام علیه السلام به اقتضای حال و شرایط حاکم بر آن روز، سیاست‌های مدیریتی و تبلیغی خود را تنظیم می‌کرد؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام در واقعه حرّه با این شیوه و با توجه به وضعیت جامعه، در برابر این شورش با اهل مدینه هیچ‌گونه همکاری ننمود و با دعا، به این واقعه اشاره کرد و خود را محفوظ داشت (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۸-۸۹).

۳-۱. مخاطب‌شناسی

یکی از محورها و شیوه‌های اساسی در تبلیغ، شناخت مخاطبان است. در فرایند عملیات تبلیغی، باید فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات، شیوه زندگی، مشکلات و آسیب‌های مرتبط با مخاطبان را شناخت. سپس، در فراگرد تبلیغ، پیام تبلیغی را متناسب با فرهنگ و سایر ویژگی‌ها، به مخاطب ارائه کرد. بر این اساس، مخاطب‌شناسی، یکی از روش‌های مؤثر نظام تبلیغی است که امام سجاد علیه السلام آن را به‌زیبایی تبیین نمود؛ چنان‌که خطبه مهم امام علیه السلام در کوفه و دمشق با این شیوه ارائه شده است.

الف. مخاطبان کوفی

کوفه در سال ۱۷ هجری در زمان خلافت دوم، به‌منظور برپایی یک پادگان نظامی پی‌ریزی شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۲۷-۵۲۸). حضرت علی علیه السلام نیز در سال ۳۶ ق این شهر را مرکز اصلی خود قرار داد. امام حسن علیه السلام به‌دلیل بی‌وفایی کوفیان، عدم آمادگی روحی و رزمی، حفظ جان خود و شیعیان و نشان دادن چهره واقعی معاویه، صلح را قبول کرد. مردم شهر کوفه در قبال امام

حسین علیه السلام سیاستی دوگانه داشتند؛ آنها بعد از مرگ معاویه، از امام حسین علیه السلام دعوت کردند تا به شهر کوفه برود و مرکز حکومتش را آنجا قرار دهد؛ اما بعد از مدتی، کوفیان به همراه شامیان واقعه عاشورا را رقم زدند. مردم کوفه، اهل بیت علیهم السلام را به درستی می‌شناختند. امام سجاد علیه السلام با شناختی که از موقعیت، درجه ایمان و اعتقاد، فضای حاکم بر شهر، گذشته کوفه، جو روانی مخاطبان و ظرفیت آنان داشت، باید به تبلیغ دین و نهضت بزرگ کربلا می‌پرداخت. در این راستا، تبلیغ حضرت می‌بایست بر اساس «مخاطب‌شناسی» صورت می‌گرفت تا اثرگذاری، اقناع اندیشه و تحریک احساس و عواطف شنوندگان را به همراه داشته باشد. وقتی اُسرا وارد کوفه شدند، حضرت زینب علیه السلام شروع به خواندن خطبه کرد. سپس، امام علیه السلام به آنها اشاره کرد که ساکت باشید تا به ایراد سخنرانی بپردازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۵۷). پس از خطبه، مردم پشیمان شدند و از هر طرف، صدای ناله بلند شد و گروهی از کوفیان به گروه دیگر گفتند که هلاک شدید و خود نمی‌دانید (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۵۷).

ب. مخاطبان شامی

شام، شهری است که مردان و زنانش بیش از چهل سال، جز بدگویی از امام علی علیه السلام چیزی دیگر نشنیده بودند و لعن او را فریضه می‌شمردند؛ زیرا تحت تربیت معاویه بودند. مورخان می‌نویسند: «معاویه حدود ۷ سال در زمان عمر، ۱۲ سال در زمان عثمان، حدود ۵ سال در زمان امام علی علیه السلام، حدود ۱۰ سال در زمان امام حسن علیه السلام و حدود ۱۰ سال در زمان امام حسین علیه السلام، حکومت شام را در دست داشت» (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۲۰؛ دینوری، ۱۳۶۷، ص ۱۴۰-۱۴۱). بنابراین، می‌توان گفت معاویه بیش از ۴۰ سال، بر فرهنگ مردم شام تأثیرگذار بوده و اسلام مدنظر بنی‌امیه را ترویج داد و مردم را از اسلام اصیل دور نگه داشت؛ چنانکه پس از انتقال حکومت از بنی‌امیه به بنی‌عباس، گروهی از بزرگان و ریش‌سفیدان شام، به دربار عباسی آمده و در پیشگاه سفاح قسم یاد کردند: «پیش از آنکه بنی‌عباس به خلافت برسند، برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خویشاوندان و خاندانی جز بنی‌امیه نمی‌شناخته‌اند» (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸).

امام علیه السلام با توجه به اینکه اهل شام به اهل بیت علیهم السلام شناخت ضعیفی دارند، نمی‌تواند به صورت مستقیم خودش را معرفی کند و یا بگوید یزید، قاتل است. پس، باید خود را با ویژگی‌هایی معرفی کند که مورد قبول آنها بوده و می‌شناسند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۸). بر این اساس، وقتی خطبه امام علیه السلام در کوفه و شام را با هم مقایسه می‌کنیم، علت تفاوت را در روش مخاطب‌شناسی می‌یابیم.

۴-۱. فرصت‌شناسی

یکی از روش‌های نظام تبلیغی امام سجاد علیه السلام، روش «فرصت‌شناسی» است. امام سجاد علیه السلام پس از ماجرای تلخ کربلا، از هر فرصتی برای زنده کردن ایثارگری‌های حماسه عاشورا و افشای ظلم و ستمگرهای مزدوران بنی‌امیه به تبلیغ می‌پرداخت. گرچه آن حضرت علیه السلام از آزادی عمل چندانی برخوردار نبود، ولی فرصت تبلیغ را از دست نمی‌داد و با شیوه: «دعا»، «گریه» و «رفتار اخلاقی»، به تبلیغ دست می‌زد.

مجموعه دعا‌های امام علیه السلام در صحیفه سجادیه شامل ۵۴ دعاست و با توجه به اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصر آن حضرت بیان شده است. دوره‌ای که مردم به خوش‌گذرانی روی آورده و از طرف دیگر، حادثه عاشورا از خاطرها محو نشده بود. از این رو، امام علیه السلام برای بیداری جامعه اسلامی، بهترین تأثیر را به وسیله دعا و گریه داشت. در روایت آمده است که آن حضرت علیه السلام چهل سال با دیدگانی اشکبار و قلبی داغدار، بر رویداد غمبار کربلا می‌گریست و شبانه‌روز آن امام علیه السلام، به روزه‌داری و شب‌زنده‌داری می‌گذشت. هنگامی که غذا برای افطارش حاضر می‌شد، از شهادت پدر و شهیدان به خون خفته کربلا یاد می‌کرد و می‌فرمود:

«قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَائِعًا، قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَطْشَانًا؛ حَتَّى يَبُلَّ بِالْدَّمِ ثِيَابَهُ؛

فرزند گرانمایه پیامبر، گرسنه به شهادت رسید. پسر پیامبر را با لب تشنه کشتند. آن قدر

می‌گریست که گریبان جامه‌اش اشک‌آلود می‌گردید» (ابن‌نما، ۱۴۰۶، ص ۱۱۵).

حتی امام علیه السلام کوچک‌ترین فرصت را از دست نمی‌داد؛ چنان‌که در نگین انگشتی ایشان حک شده بود: «خزى و شقى قاتل الحسين بن على عليه السلام؛ رسوا و بدبخت شد قاتل حسين بن على عليه السلام» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۵).

۵-۱. زمان‌شناسی

مُبَلِّغ باید بداند برخی مباحث، پذیرش عمومی ندارد و موجب تخریب او می‌شود و باید سکوت کند؛ زیرا یک مُبَلِّغ و عالم دینی، از نظر جان و مال و از آن مهم‌تر، از نظر حیثیت اجتماعی، برای دین و مذهب سرمایه‌ای گرانقدر است و نباید این سرمایه، بی‌جهت مورد هجمه قرار گرفته و تضعیف شود (واسعی و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴). امام سجاد علیه السلام که با مشکلات و واقعیت‌هایی روبه‌رو بود، می‌بایست با یک خط‌مشی صحیح، از یک سو، حماسه حسینی را در سینه‌ها زنده نگه دارد و توطئه تحریف‌کنندگان را خنثا نماید و از سوی دیگر، به بازسازی و ترمیم تشکیلات

علوی و شیعی که آسیب‌های کلی دیده بود، پردازد (گروه تاریخ، ۱۳۹۰، ص ۸۸). بنابراین، تقیه، بهترین شیوه برای مدیریت امام سجاد علیه السلام در دوره خفقان و قیام‌ها به شمار می‌رفت که با این شیوه، توانست بحران‌ها را کنترل کند و به تبلیغ دین و وظیفه سنگین پیام‌رسانی نهضت عاشورا همت گمارد. امام علیه السلام در تبیین علت اصل تقیه فرمود:

«و الله لو علم أبوذر ما فی قلب سلمان لقتله - و لقد آخی رسول الله صلی الله علیه و آله بینهما - فما ظنکم بسائر الخلق؟ إن علم العلماء صعب مستصعب، لا یحتمله الا نبی مرسل أو ملک مقرب أو عبد مؤمن إمتحن الله قلبه للإیمان؛

به خدا قسم، اگر ابوذر می‌دانست چه در قلب سلمان است، او را می‌کشت؛ با اینکه پیامبر بین آن دو، برادری ایجاد کرده بود. پس، نسبت به دیگر مردم چه گمان دارید؟...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۲۳۲).

از این کلام روشن می‌شود که در شرایط سخت و دشوار، اجرای تقیه به‌آسانی نیست؛ بلکه در موارد بحرانی و سخت باید مدیریت داشت تا با تقیه، از بحران‌ها عبور کرد. با مطالعه عصر خفقان سیاسی حضرت علیه السلام، به‌خوبی متوجه می‌شویم که علت عدم قیام امام علیه السلام، تقیه است؛ «زیرا با رعب و اختناق شدیدی که در جامعه حکمفرما شده بود و با کنترل و تسلط شدیدی که حکومت جبار اموی برقرار ساخته بود، هرگونه جنبش و حرکت مسلحانه، پیشاپیش محکوم به شکست بود و کوچک‌ترین حرکت از دید جاسوسان حکومت اموی پنهان نمی‌ماند» (پیشوایی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲). پس، قیام مسلحانه باعث می‌شد که جریان تشیع قطع شود و اسلام در معرض نابودی قرار بگیرد؛ اما با تقیه، این خطر برطرف شد. همچنین، با کمی تفکر و تعقل می‌توان گفت که تقیه، امام علیه السلام را وادار نمود تا با دعا به تبلیغ دین و پیام‌رسانی نهضت عاشورا و رسوا ساختن حاکمان پردازد. پس، صحیفه سجادیه، حاصل تقیه است.

۲. موعظه

موعظه، یکی دیگر از روش‌هایی است که قرآن کریم بیان نموده است (نحل، آیه ۱۲۵). در اینجا به شیوه‌هایی که امام سجاد علیه السلام از روش موعظه استفاده نموده، می‌پردازیم:

۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر

از منظر امام سجاد علیه السلام، یکی از بهترین روش‌های موعظه، امر به معروف یا ارشاد به خوبی‌ها و

فضایل و نهی از منکر یا انتقاد از زشتی‌ها و رذایل است که ریشه قرآنی دارد (ر.ک: توبه، آیه ۷۱؛ آل عمران، آیه ۱۱۰ و ۱۰۴). خداوند امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر را بهترین امت می‌داند (آل عمران، آیه ۱۱۰). امام علیه السلام همواره در هر حال، موظف بود این فریضه را انجام دهد؛ حتی ابلاغ رسالت قیام حسینی را این روش شکل داد؛ چنان‌که شهید مطهری می‌گوید:

تاریخ کربلا را اسرا زنده کردند، تا آخرین لحظه تبلیغ کردند، امر به معروف و نهی از منکر کردند. کاری کردند که مردم شام که دشمن علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بودند، نزدیک بود علیه یزید قیام کنند. با آن همه شکنجه روحی و جسمی که در طول راه بر کاروان اسرا وارد می‌شود، باز می‌بینیم مجلس ابن زیاد و یزید را منقلب می‌کنند. اینکه بعدها یزید، اهل بیت را احترام می‌کرد، برای این نبود که روحیه‌اش عوض شده؛ بلکه چون زینب علیها السلام و زین العابدین علیه السلام اوضاع را برگردانده بودند، یزید مجبور بود ملاحظه اطرافیان و جو موجود را بنماید (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹).

یکی دیگر از اقدام‌های مهم امام سجاد علیه السلام، شناساندن معروف‌ها و خیرها به مردم بود؛ چنان‌که امام علیه السلام در رساله حقوق، ۵۰ حق بزرگ را به مسلمانان معرفی کرد تا با ادای آنان، معروف و خیر الهی انجام شود؛ حتی امام علیه السلام در تربیت فرزندان خویش می‌کوشید تا آنها را اهل خیر و خوبی کند و به آنها سفارش می‌کرد که موعظه و پند دیگران را قبول کنند و این، بزرگ‌ترین امر به معروف می‌باشد؛ چنان‌که به فرزندش فرمود:

«افْعَلِ الْخَيْرَ إِلَىٰ كُلِّ مَنْ طَلَبَهُ مِنْكَ فَإِنْ كَانَ أَهْلَهُ فَقَدْ أَصَبْتَ مَوْضِعَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِأَهْلٍ كُنْتَ أَنْتَ أَهْلَهُ وَإِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَىٰ يَسَارِكَ وَاعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ عُدْرَهُ؛

هرکه از تو خیر خواست، برای او عمل کن. اگر اهل آن است، به‌جا عمل کردی و اگر هم که او اهل آن نیست، تو خود اهل آنی. اگر مردی از سمت راست توبه تو دشنام داد و سپس، به سوی چپ تو گردید و از تو عذر خواست، عذرش را بپذیر» (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۲۸۲).

۲-۲. روشنگری

امام سجاد علیه السلام در برهه‌های مختلف، از شیوه روشنگری استفاده نموده است؛ از جمله می‌توان به خطبه‌های امام علیه السلام در کوفه و شام و مدینه اشاره نمود که مهم‌ترین و فصیح‌ترین خطبه‌های

حضرت به شمار می‌رود. این خطبه‌ها آثار و نتایج ذیل را در جامعه اسلامی از خود بر جای گذاشت:

۱. رسوا ساختن هیئت حاکمه: بنی‌امیه به حکومت و سلطنت خود رنگ دینی می‌دادند و به نام اسلام و جانشینی پیامبر بر جامعه اسلامی حکومت می‌کردند و با شیوه‌های گوناگون، مانند جعل حدیث و جذب شعرا و محدثان، جهت تثبیت موقعیت دینی خود در جامعه می‌کوشیدند (پیشوایی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴)؛ اما امام سجاد علیه السلام با سخنرانی و افشاگری‌ها، مسلمانان نقاط مختلف جهان را به این فجایع زشت یزید آگاه کرد.

۲. آشنایی مردم با اسلام واقعی: امام سجاد علیه السلام در سرتاسر مباحث اعتقادی و سیاسی خود، مخاطبان، مسلمانان و یزیدیان را با اسلام ناب محمدی بهتر آشنا کرد و دیگران را از اسلام مدنظر بنی‌امیه برحذر داشت.

۳. احیای سنت شهادت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سنت شهادت را پی‌ریزی کرد و به گواهی تاریخ، عامل بسیاری از پیروزی‌های بزرگ مسلمانان، استقبال آنان از شهادت در راه خدا برای پیروزی حق بود؛ اما پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، در اثر انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود، کم‌کم مسلمانان روحیه سلحشوری خود را از دست دادند و به رفاه و آسایش خو گرفتند؛ اما قیام امام حسین علیه السلام این وضع را دگرگون ساخت و سنت شهادت را در جامعه اسلامی زنده کرد (پیشوایی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸-۲۱۹). البته نقش امام سجاد علیه السلام، خیلی مهم بود؛ چون اگر آن حضرت افشاگری نمی‌کرد و در منابر به دفاع از خون سید الشهداء علیه السلام نمی‌پرداخت، چه بسا همه مسلمانان از شهادت امام حسین علیه السلام بی‌خبر می‌ماندند.

۴. قیام در امت اسلامی: امام سجاد علیه السلام با سخنرانی و افشاگری، مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد؛ تا جایی که دو قیام بزرگ «تواین» و «مختار» در آن عصر شکل گرفت.

۳-۲. یادآوری نعمت‌های الهی

تذکر (یادآوری نعمت‌ها)، یکی از شیوه‌های تبلیغی امام سجاد علیه السلام می‌باشد. اصل تذکر، بیانگر آن است که گاهی باید فرد را به آنچه علم دارد، یادآور ساخت؛ زیرا انسان دچار غفلت از گذشته خویش می‌گردد. در این روش، سعی بر آن است که آدمی با خویشتن روبه‌رو شود و به خود بنگرد و حلاوت نعمت‌هایی را که به او ارزانی شده، بچشد (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲).

در قرآن کریم، نمونه‌های بسیاری از این شیوه بیان گردیده (ر.ک: ق، آیه ۴۵؛ طور، آیه ۲۹؛ غاشیه،

آیه ۲۱) و در سیره امام علیه السلام نیز برای تبلیغ معارف دینی از آن استفاده شده است. امام علیه السلام در دعای نخست صحیفه سجادیه، نعمت‌های الهی را یادآوری می‌کند تا انسان از یاد خدا غفلت نکند و یا در دعای ابوحمزه ثمالی نیز یادآور نعمت‌های الهی می‌گردد. البته یکی از راه‌های درست تذکر و یادآوری نعمت‌ها، قرائت قرآن و عمل به آن بود (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۲۸۳) که امام علیه السلام این شیوه عملی را نیز به کار می‌برد. پس، همه باید از نعمت خداوند غافل نشده و در هر حال، به یاد خدا باشند. بنابراین، تذکر و یادآوری، موجب می‌شود تا انسان راه را گم نکند (ر.ک: احزاب، آیه ۳۶؛ رعد، آیه ۲۸؛ احزاب، آیه ۴۱؛ آل عمران، آیه ۱۹۱ و...).

از جمله آثار این روش، آن است که آدمی به خود بیاید. آنگاه گذشته خویش را به یاد آورد و شیرینی نعمت‌هایی را که به او ارزانی شده، بچشد و در مقام شکر بر آید و نشاط و رغبت به عمل در او برانگیخته شود. امام علیه السلام با بهره‌گیری از این روش، انسان‌های غفلت‌زده را آگاه می‌سازد و غفلتشان را در پرتو یادآوری نعمت‌های بی‌شماری که در گذشته و حال به آنها عطا شده است، می‌زداید.

از نتایج دیگر، شناخت بیشتر خداوند و نیز انگیزه سپاس از حق تعالی است. همچنین، به حکم عقل، انسان باید در مقابل چنین مُنعمی سپاسگزار باشد. پس، تا انسان از غفلت خارج نشود، در واقع، هنوز داخل محدوده انسانیت نشده است؛ بلکه مسیر سقوط را می‌پیماید و از حیوان، پست‌تر است (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹-۱۱۱).

۳. مجادله

در قرآن کریم، یکی از راه‌های دعوت و تبلیغ، مجادله احسن است (نحل، آیه ۱۲۵). در این شیوه قرآنی، واقع‌نگری و حقیقت‌نگری، اساس مجادله است. بنابراین، باید از مجادله غیر احسن پرهیز نمود. در این بخش، درصدد هستیم تا به شیوه‌های مجادله که توسط امام سجاده علیه السلام به کار رفته، اشاره کنیم.

۳-۱. مناظره

یکی از شیوه‌های تبلیغی در برخورد با مخالفان، بحث آزاد و منطقی است. «غرض اصلی در مناظره حقیقی، کشف واقعیت است و همین که حق بودن یکی از دو طرف نقیض معلوم شد، طرف مخالف به آن اذعان می‌کند» (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۴۴۶). این روش، در ابتدا برای تحکیم

عقاید شیعیان و دوستان ناظر بر مناظره، کاربرد و کارایی داشته و در درجه دوم، موجب تغییر عقیده و تسلیم مناظره‌شونده در برابر حق می‌شده است (واسعی و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴). امام سجاد علیه السلام در برابر مردم، به مناظره و احتجاج پرداخت و هدف ایشان آگاه کردن مردم و کشف حقیقت بود. در اینجا می‌توان به این موارد اشاره نمود: «احتجاج امام علیه السلام در کوفه هنگامی که از خیمه بیرون آمده و کوفیان را به جهت شکستن عهد و پیمان توبیخ و سرزنش کرد» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۵)؛ «احتجاج امام علیه السلام بعد از رسیدن به شام» (همان، ص ۳۰۶) و «احتجاج امام علیه السلام بر یزید در آن هنگام که داخل دارالاماره شام شد» (همان، ص ۳۱۰).

امام علیه السلام در این مناظره‌ها نکاتی را تعلیم داد:

الف. آموزش درست و روشمند مناظره.

ب. بهره‌گیری از مشهورات و مسلمات در مناظره: امام علیه السلام در مناظره خود، از مشهورات و مسلمات، مانند آیات قرآن استفاده می‌کرد.

ج. حقیقت‌جویی در مناظره: در مناظره حقیقی، اگر برای افراد حقیقت روشن گردد، به اشتباه و خطای خود اذعان می‌کنند؛ چنان‌که در مناظره‌ای، مرد شامی بعد از مناظره با امام علیه السلام، از عمل خود پشیمان شد و توبه کرد (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۲۹).

۳-۲. پرسش و پاسخ

یکی دیگر از شیوه‌های مجادله، پرسش و پاسخ است. طرح یک سؤال، باعث تمرکز حواس و جلب توجه افراد به مطلب می‌شود و حس کنجکاوی و حقیقت‌جویی افراد را تحریک می‌کند. در این صورت، با تمام وجود به سوی گوینده می‌روند تا پاسخ آن را بشنوند (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶).

این شیوه، جایگاه بالایی در امر تبلیغ داشته و علت آن را باید در این دانست که امامان علیهم السلام و از جمله امام سجاد علیه السلام، در محدودیت بودند و خیلی مواقع نمی‌توانستند به راحتی خطابه و سخنرانی کنند. بنابراین، روش مزبور، کارایی بسیار پیدا می‌کرد. همچنین، پرسش و پاسخ، عامل مهم و جدی در برقراری ارتباط انسانی و عاطفی میان سؤال‌کننده و پاسخگو می‌باشد و ماندگاری پاسخ در وجود سائل، بیشتر خواهد بود. امام سجاد علیه السلام از این شیوه در راستای تبلیغ دین به کار برده است.

الف. پرسش‌های روشنگرانه امام علیه السلام

سؤال امام علیه السلام از روی جهل نبوده، چون این در مورد علم امام علیه السلام جایی ندارد؛ بلکه با توجه به ظرفیت‌ها و شناخت و درک آنها در جهت افزایش سطح معرفت و آگاهی آنها بود. این دانش افزایی و معرفت‌دهی، به جهت دو هدف عمده بود:

نخست. جلوگیری از انحرافات مهم فکری و عقیدتی بعضی از شیعیان، عوام و مخالفان؛

دوم. آشنایی بیشتر با اسرار و معارف و آموزش احکام.

طبرسی نقل کرده که روزی میان امام علیه السلام و حسن بصری، یک مناظره علمی در قالب سؤال و جواب اتفاق افتاد. حسن بصری اذعان کرد که ایشان از خاندان علم و دانش هستند و دیگر مردم را موعظه و نصیحت نکرد؛ چون خود دارای انحراف بود (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۳). و با وقتی امام علیه السلام از حج برمی‌گشت، شبلی به استقبال او رفت. در این دیدار، امام علیه السلام در مورد حج از آن فرد سؤال‌هایی پرسید و او در جواب دادن و پاسخ‌های امام علیه السلام، متوجه شد حقیقت معنوی و عرفانی حج را نمی‌دانست و درست انجام نداده است و امام علیه السلام او را با اسرار و معارف حج آشنا کرد (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۱۶۶-۱۷۲).

ب. پاسخ‌های ابهام‌زدای امام علیه السلام

امام سجاد علیه السلام از فرصت پاسخ به سؤالات، در جهت بیان معارف و اسرار عاشورا و هدایت و ارشاد مردم استفاده بسیاری کرد؛ به طور مثال، شخصی از امام علیه السلام سؤال کرد: چگونه ایام را سپری می‌کنید؟ امام علیه السلام در پاسخ، خود را به بنی اسرائیل تشبیه نمود و علت شهادت امام حسین علیه السلام را غصب و ظلم و بغض معرفی کرد (بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۱۳۳). این پرسش، در بازار دمشق اتفاق افتاد؛ جایی که اکثر مردم در آنجا برای رفع نیازهای خودشان در رفت‌وآمد بودند و بهترین فرصت برای افشاگری و تحلیل و چرایی واقعه عاشورا و بیداری مردم شام و تحول جامعه به شمار می‌رفت.

همچنین، امام علیه السلام به سؤالات در مورد مسائل اخلاقی، تربیتی، اعتقادی و احکام پاسخ می‌داد؛ برای نمونه، شخصی از آن حضرت در مورد سکوت یا سخن گفتن پرسید. امام علیه السلام در پاسخ، به تجزیه و تحلیل سؤال و خوبی‌ها و آفات هر کدام اشاره نمود (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۵) و یا فردی از امام علیه السلام در مورد زهد سؤال کرد و ایشان در پاسخ، با استناد به قرآن کریم (حدید، آیه ۲۳)، به مراتب و درجه‌های زهد پرداخت (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۲۷۸؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۳۳).

۳-۳. مهارت همراهی

در این روش، کارشناسان تبلیغ به ظاهر در بخشی از افکار و عقاید با مخاطبان خود همراه و همسو می‌گردند؛ به ناراحتی، شکایات و طرح موضوعات توسط آنان علاقه نشان می‌دهند و با اجرای برنامه‌های متنوع و تحریک زمینه‌های انفعالی ایشان، در جلب توجه و جذب افکار عمومی می‌کوشند. مجریان پس از اقتدار و تسلط کافی، در فرصتی مناسب، با گفتن نکات مهم و حساب‌شده به مخاطبان، آنان را به سوی اهداف مورد نظر خود متمایل می‌کنند و افکار، عقاید، احساسات و رفتارشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. انعطاف‌پذیری، خویش‌داری و پرهیز از پرخاش، تسلیم احساسات نشدن و نیز توان بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های ایجادشده، از ارکان اصلی این روش برای انتقال پیام و تأثیرگذاری عمیق بر گیرندگان و مخاطبان می‌باشد (کرمی، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

بنا بر گزارش تاریخی، یک نمونه استفاده از این روش توسط امام علیه السلام، در مجلس یزید رخ داد. در آن مجلس، میان امام علیه السلام و یزید گفت‌وگوهایی اتفاق افتاد. یزید دستور داد که یک خطیب به منبر برود و از امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام بدگویی کند (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۷). امام علیه السلام خطیب را مورد تذکر قرار داد و به یزید فرمود: «ای یزید! اجازه بده از این چوب‌ها بالا روم تا سخن بگویم» (همان). امام علیه السلام در منبر با ایراد خطبه، کاری کرد که همه مردم ضجه زدند و گریه کردند و با گریه خود نگذاشتند که حضرت ادامه دهد (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۹). یزید برای جلوگیری از آشوب و فتنه و ایجاد فضای روانی، به مؤذن دستور می‌دهد که اذان بگوید (همان)، تا کلام و تبلیغ امام علیه السلام را قطع کند. مؤذن شروع به اذان گفتن کرد. امام علیه السلام گام بعدی را در جهت اهداف خود بر می‌دارد و آن استفاده از اذان است که مورد قبول همه مسلمانان است. امام علیه السلام با استفاده از این فرصت، با مؤذن همراه می‌شود.

وقتی مؤذن گفت: «الله اکبر»، امام علیه السلام نیز با مؤذن همراه شده و فرمود: «هیچ چیز و شیئی بزرگ‌تر و بالاتر از الله - عزوجل - نیست.»

سپس، مؤذن گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله». امام علیه السلام با تمام وجودش به این کلمات شهادت داد.

مؤذن گفت: «أشهد أن محمداً رسول الله». حضرت تا اینجا فقط با مؤذن همراه است؛ اما

وقتی که مؤذن به اینجا رسید، در حالی که در منبر بود، به یزید فرمود:
 «مُحَمَّدٌ هَذَا جَدِّي أَمْ جَدُّكَ يَا يَزِيدُ فَإِنْ زَعَمْتَ أَنَّهُ جَدُّكَ فَقَدْ كَذَبْتَ وَ كَفَرْتَ وَ إِنْ
 زَعَمْتَ أَنَّهُ جَدِّي فَلِمَ قَتَلْتَ عِثْرَتَهُ؟»

ای یزید! بگو این محمد که نامش با اکرام در مأذنه گفته می‌شود، جد من است یا جد تو؟
 اگر بگویی جد توست، دروغ می‌گویی و اگر بگویی جد من است، پس، چرا اهل بیت و
 عترت او را کشتی؟»

وقتی کار به اینجا رسید، یزید باز هم ترسید و دستور داد تا بعد از اذان، مؤذن اقامه را بگوید تا
 نماز جماعت برپا شود (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۷؛ قمی،
 ۱۳۷۹، ص ۵۷۷). شیخ عباس قمی می‌گوید: یزید به مؤذن فریاد زد که اقامه نماز بگو. آنگاه میان
 مردم همه‌مه و زمزمه بزرگی به پا خاست و برخی با او نماز خواندند و برخی نخواندند تا پراکنده
 شدند (قمی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۸).

نتیجه

- امام سجاد علیه السلام در برهه حساس، زمام امور را بر عهده گرفت و به عنوان رهبر شیعه، بهترین
 تأثیر را در هدایت داشت.
- امام علیه السلام برای موفقیت در تبلیغ دین مبین اسلام و رساندن پیام نهضت حسینی به جهانیان،
 از روش‌های کارآمد بهره برد. این روش‌ها برای مبلغان و پژوهشگران، بهترین منبع و الگوست تا
 در شرایط و زمان‌های مختلف، در تبلیغ دین چگونه عمل کنند.
- با مطالعه در سیره امام سجاد علیه السلام، روش‌های تبلیغی امام علیه السلام به صورت روشی هدفمند و
 قابل اجرا به نگارش درآمد که برای همه افراد مختلف کاربرد دارد.
- امام علیه السلام در روش‌های تبلیغی خود، بهترین راهکارها، از جمله: حکمت، موعظه و مجادله
 را بیان فرمود.
- امام علیه السلام در نظام تبلیغی خویش، از آیه ۱۲۵ سوره نحل الهام گرفت. در این پژوهش،
 شیوه‌های تبلیغی مؤثری مانند: برهان و استدلال، رعایت مقتضیات حال، مخاطب‌شناسی،
 فرصت‌شناسی، امر به معروف و نهی از منکر، تذکر و یادآوری، پرسش و پاسخ و روش همراهی با
 توجه به روش‌های تبلیغی امام سجاد علیه السلام تبیین و معرفی گردید.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۲. صحیفه سجادیه، مترجم: عبدالمحمد آیتی.
۳. ابراهیمی فر، علی اصغر، ۱۳۸۵ش، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
۴. ابن‌اعثم کوفی، محمدبن علی، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، الفتوح، تحقیق: علی شیری، ط. الأولى، بیروت، دار الاضواء.
۵. ابن‌الأثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم، ۱۳۸۵ق، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۶. ابن‌شعبه حرّانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، محقق/مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۷. ابن‌طاووس، علی بن موسی، ۱۳۴۸ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه: احمد زنجانی فهری؛ چاپ اول، تهران، ناشر جهان.
۸. ابن‌فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم المقاییس اللغة، محقق/مصحح: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابن‌منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، محقق/مصحح: جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
۱۰. ابن‌نما حلی، جعفر بن محمد، ۱۴۰۶ق، مثیر الأحزان، چاپ سوم، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، کشف الغمة فی معرفة الائمة، اول، تبریز، بنی‌هاشمی.
۱۲. باقری، خسرو، ۱۳۸۶ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر اموال کمک آموزشی در کتابخانه‌ها.
۱۳. بصری، محمدبن سعد بن منیع هاشمی، ۱۴۱۰ق، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمدبن عبدالقادر عطاء، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۴. الهامی‌نیا، علی اصغر، بی‌تا، تعلیم و تربیت در اسلام، عقیدتی سیاسی نمایندگی سپاه.
۱۵. پیشوایی، مهدی، ۱۳۷۹ش، سیره پیشوایان، یازدهم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت.

۱۷. دینوری، احمد بن داود، ۱۳۶۷ ش، الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، مراجعه: جمال‌الدین شیال، قم، منشورات الرضی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دمشق.
۱۹. شریفی، عنایت‌الله، ۱۳۹۰ ش، اخلاق قرآنی، چاپ اول، قم، هجرت.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مصحح/محقق: محمدباقر خراسان، چاپ اول، مشهد، نشر مرتضی.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الأمم والملوک، تحقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار التراث.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، مصحح / محقق: احمد حسین اشکوری، مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
۲۴. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ ق، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوضی، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱ ق، المصباح المنیر، چاپ دوم، قم، مؤسسه دار الهجرة.
۲۶. قمی، عباس، ۱۳۷۹ ش، نفس المهموم، ترجمه: محمدباقر کوه‌کمره‌ای، چاپ دهم، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، کافی، چاپ اول، قم، دار الحدیث.
۲۸. کرمی، بختیار، ۱۳۸۵ ش، نقش تبلیغی حضرت سجاده‌السلام در واقعه کربلا، چاپ اول، تهران، نشر اوحدی.
۲۹. کوفی، لوط بن یحیی ابومخنف، ۱۴۱۷ ق، وقعة الطف، محقق/مصحح: محمد هادی یوسف غروی، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسین.
۳۰. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ ش، تاریخ تشیع، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۶ ش، جلاء العیون (تاریخ چهارده معصوم)، تحقیق: سید علی امامیان، چاپ دوازدهم، قم، سرور.

۳۲. _____، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴ش، اثبات الوصیة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ سوم، قم، انصاریان.
۳۴. _____، ۱۳۷۴ش، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ش، سیری در سیره معصومین علیهم السلام، چاپ ششم، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۳۷. منتظری مقدم، محمودی، ۱۳۸۸ش، منطق ۲، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز.
۳۸. نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
۳۹. واسعی، سید علیرضا و دیانی، محمد شمس‌الدین، ۱۳۸۸ش، درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه علیهم السلام، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.